

گزارشی اجمالی از نشست علمی «بررسی فقهی زیارت از منظر مذاهب اسلامی»

چکیده

از آغاز همه ادیان الهی به زیارت اماکن مقدس سفارش کرده و آن را ارتباط با روح درگذشتگان دانسته‌اند. در دین اسلام نیز، زیارت قبور بزرگان دین اهمیت فراوانی دارد و بسیار به آن سفارش شده است. در مذاهب چهارگانه اهل سنت و تمامی فرقه‌های شیعه، زیارت، جایگاه ارزشمندی دارد و از آداب و رسوم و آیین‌های ویژه‌ای برخوردار است. در این میان شیعیان به زیارت قبر مطهر نبوی ص و امامان معصوم علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام علاقه و اعتقاد خاصی دارند و روایات فراوانی در این باره نقل کرده و فضیلت‌های بسیاری برای آن برشمرده‌اند.

تنها فرقه‌ای که زیارت قبور درگذشتگان، حتی قبر مطهر نبوی ص را حرام، بلکه برابر با شرک می‌دانند وهابیان هستند؛ در حالی که بیشتر علمای شیعه و اهل سنت بر اساس احادیث و روایات بر استحباب زیارت قبور بزرگان دینی تأکید کرده‌اند.

این نوشتار، گزارشی است اجمالی از نشستی علمی که به منظور بررسی فقهی زیارت از دیدگاه مذاهب اسلامی با حضور و سخنرانی دو تن از استادان ارجمند حوزه علمیه آقایان نجم‌الدین مروجی طبسی و محمدمین پورامینی در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام در شهر مقدس قم برگزار شده است.

واژگان کلیدی: فقه، زیارت، فرهنگ اسلامی، نجم‌الدین مروجی طبسی، محمدمین

پورامینی.

در آستانه اربعین حسینی، نشستی با عنوان «بررسی فقهی زیارت از منظر مذاهب اسلامی» از سوی «پژوهشکده حج و زیارت» و «مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)» و با حضور اساتید ارجمند: استاد نجم‌الدین مروجی طوسی و استاد محمدامین پورامینی در تاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۹۳ در محل سالن همایش‌های مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام) برگزار شد. در این نشست ابتدا استاد پورامینی با اشاره به اتفاق نظر شیعه و سنی در استحباب اصل زیارت، گفتند:

ما نسبت به زیارت دو عنوان می‌توانیم داشته باشیم: یکی عنوان عام نسبت به زیارت قبور، به صورت مطلق و یکی عنوان خاص نسبت به خصوص زیارت قبر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و به تبع آن زیارت ائمه معصومین (علیهم السلام) و زیارت بزرگان و اولیاء. از جهت فقهی اصل مسئله - اگر ادله‌ای هم نباشد - نسبت به زیارت قبور، اصالة الاباحه است. علاوه بر این که روایات و ادله مورد اتفاق همه مسلمانان در ترغیب زیارت قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و بزرگان دین وجود دارد. شیعه و سنی نسبت به استحباب زیارت قبور متفق هستند. تعداد زیادی از بزرگان اهل سنت تصریح دارند به این که این عمل، مستحب و سفارش شده و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. رسول خدا خودشان به قبرستان بقیع تشریف می‌بردند و دعا می‌خواندند. نسبت به اصل استحباب زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز جای هیچ شک و تردیدی نیست؛ حتی در میان اهل سنت هم قول به وجوب یا تمایل به وجوب نیز وجود دارد.

ایشان مشکل اصلی در باب زیارت قبور را نگاه و رفتار وهابیت دانستند و خاطر نشان کردند که ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب بودند که خرق اجماع کرده و مهر شرک زدند.

در ادامه، استاد مروجی طبسی در تأیید استاد پورامینی گفتند: «اصل مشروعیت زیارت از مسلمات است و حدود هزار روایت درباره زیارت وارد شده است».

ایشان به ریشه‌یابی حکم فقهی وهابیت در مورد زیارت پرداخته و آن را نشأت گرفته از افکار جاهلیت مبنی بر این که مردگان پوچ می‌شوند و معادی وجود ندارد دانستند و گفتند: تفکر وهابیت نشأت گرفته از حس بغض و کینه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. ابوسفیان‌ها و مروان‌ها که مغضوب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، ابداع‌گران این تفکرند؛ و گرنه بزرگان اهل سنت، هم قولاً و هم عملاً زیارت را مورد تأیید قرار داده و چهار مذهب آنان در اصل زیارت تردیدی ندارند.

ایشان برای نمونه به کلام شوکانی در «نیل الاوطار» باب «صلاة المخلوقات علی النبی و هو فی قبره حی» اشاره کردند که گفته است:

قد ذهب جماعة من المحققين إلى أن رسول الله صلی الله علیه و آله حیٌ بعد وفاته و أنه یسرُّ بطاعة أمته و أن الانبياء لا یبلون (یعنی بدن پیامبران پوسیده نمی‌شوند) مع أن مطلق الادراک کالعلم و السماع ثابتٌ لسائر الموتی.^۱

این استاد حوزه علمیه در توضیح این کلام افزودند:

صرف ادراک و سماع را همه مرده‌ها دارند؛ پس چه امتیازی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ماست؟ اگر حیات پیامبر چنین حیاتی باشد، پس دیگر چه امتیازی دارد؟ اگر حیات شهدا چنین باشد، دیگر چه امتیازی؟ این جاست که می‌گوید: «مع أن مطلق الادراک کالعلم و السماع ثابتٌ لسائر الموتی و ورد النص فی کتاب الله فی حق الشهداء أنهم أحياءٌ یرزقون و أن الحياة فیهم متعلقةٌ بالجسد». حیات شهدا، حیات جسمی است، جسمانی است. «فکیف بالانبياء» وقتی که شهید زنده است، جسمش زنده است، نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله چه می‌گویید؟ «فکیف بالانبياء و المرسلین فقد ثبت فی حدیثٍ أن الانبياء أحياءٌ فی قبورهم». تا چه رسد به پیامبران الهی که در حدیث ثابت است که آنان در قبورشان زنده هستند.

استاد نجم‌الدین طبسی در ادامه، به بیان نمونه‌های دیگری از تصریح فقهای مذاهب اربعه بر مشروعیت زیارت پرداختند.

پس از آن استاد پورامینی نیز در تکمیل فرموده‌های پیشین خود، به بیان نمونه‌هایی از زیارت امام رضا علیه السلام توسط بزرگان اهل سنت پرداختند و گفتند:

روایتی از ابی‌بکر محمد بن مؤمل در «تهذیب التهذیب، جلد هفتم، صفحه ۳۳۹» نقل شده است: «خرجنا مع امام اهل حدیث ابی‌بکر بن خزیمه و عدیله ابی‌علی الثقفی مع جماعة من مشایخنا»؛ ما با امام اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی با گروهی از بزرگان حدیث بیرون آمدیم «و هم اذ ذاک متوافدون إلی زیارة قبر علی بن موسی الرضا بطوس»؛ و آنان به قصد زیارت آقا علی بن موسی علیه السلام بیرون آمده بودند «قال فرأیت من تعظیمه (یعنی ابن خزیمه) لئلك البقعة و تواضعه لها و تضرعه عندها فتحیرنا»؛ دیدیم به قدری ابن خزیمه مقابل قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام خاشع و خاضع است و گریه و درخواست داشت که ما به تعجب افتادیم.^۳

ابن حبان نیز در کتاب «الثقات، جلد ۸، صفحه ۴۵۶» درباره امام رضا علیه السلام می‌گوید: «و قبره بسناباد خارج النوقان مشهور یزار»؛ قبر ایشان در سناباد است که بیرون نوقان مشهور و محل زیارت است. «بجنب قبر رشید قد زُرْتُه مراراً کثیرة (من زیاد آن را زیارت کردم) و ما حلت بی شدّة فی وقت مقامی بطوس فزُرْتُ قبر علی بن موسی الرضا صلوات الله علی جدّه و علیه و دعوتُ الله إزالتها إلا استجیب لی و زالت عنی تلك الشدّة»؛ یعنی در وقتی که من در طوس بودم، هر مشکلی که پیدا می‌کردم، به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌رفتم و در آنجا دعا می‌کردم و مشکلم رفع می‌شد. «و هذا شیءٌ جَرَّبْتُه مراراً» یک بار یا دو بار هم نیست؛ بارها اتفاق افتاد. می‌گوید بارها امتحان کردم. «و وجدته كذلك» دیدم این‌طور است. «أماننا الله علی محبة المصطفى و اهل بیته صلی الله علیه و علیهم اجمعین» این دعا را هم در آخرش دارد که خداوند ما را بر دوستی محمد و آل محمد بمیراند.^۴

استاد پورامینی پس از بیان این مطالب، به بیان مصادیقی از تصریحات فقهای چهار مذهب عامه بر مشروعیت و استحباب، بلکه وجوب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرداختند:

۱. فقه شافعی

«کتاب «الحاوی الکبیر» از عتبی نقل می کند:

نزد قبر پیامبر ﷺ بودم، یک اعرابی (بادیه نشین) آمد «فقال یا رسول الله وجدت الله تعالی يقول: ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً. وقد جئتک تائباً من ذنبي مستشفعاً بک إلى ربی... عتبی گوید: یک لحظه خوابم برد «فرايت رسول الله يقول: يا عتبي ألحق بالأعرابي وأخبره بأن الله قد غفر له»؛ برو به او بشارت بده که خدا او را بخشید.^۵

الصاوی در کتاب «المؤلف فی زیارة قبر الرسول» از سمهودی نقل می کند: «و من خصائصها (خصائص مدینه) وجوب زیارتها». در باره کیفیت زیارت هم می گوید: «و الأفضل فی زیارة القرب من القبر الشریف (بهتر آنست که نزدیک قبر پیغمبر شوید) بحيث يكون النبي يسمع قوله على حسب العادة»؛^۶ فاصله شما بگونه ای باشد که به صورت عادی و متعارف با کسی صحبت می کنید، حد فاصلی که باید رعایت کنید که صدا را بشنوید و بشنوانید، همان مقدار نزدیک شوید و زیارت کنید. اینها آن روایت را دارند که می گوید: وقتی شما سلام می کنید، روح به من باز می گردد و جواب شما را می دهم.

ابراهیم حربی می گوید: «يُستحبُّ تقبيل حجرة النبي»^۸ بوسیدن حجره پیغمبر ﷺ مستحب است. صریح هم همین حکم را دارد. این در «الاختیارات الفقهیه» هم آمده است.^۹

۲. فقه حنبلی

در کتاب فقه العبادات حنبلی آمده است زیارت قبر پیغمبر ﷺ مستحب است، آنگاه به چند روایت تمسک می کند؛ از جمله این روایت که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من زارني أو زار قبري كنت له شفيعاً أو شهيداً».^{۱۰}

علاء الدین کاشانی در «بدائع الصنائع» آورده است: «و عليه عمل المسلمین من لدن رسول الله إلی یومنا هذا من زیارة القبور...».^{۱۱} در «شرح فتح القدير» در کیفیت زیارت پیغمبر ﷺ این عبارت در ضمن زیارتی است که اینها نقل می کنند: «یا رسول الله أسئلك الشفاعة و أتوسل بک إلى الله فی أن أموت مسلماً».^{۱۲}

۳. فقه مالکی

گویند مالک بن انس در مدینه که بود، پیاده حرکت می کرد و سوار بر مرکب نمی شد. می گفتند: چرا سوار مرکب نمی شوی؟ می گفت: «استحیی من الله أن أطأ تربةً فیها رسول الله بحافر دابة»؛ من خجالت می کشم که پا بر خاکی نهم که رسول خدا ﷺ را در بر دارد.^{۱۳}

۴. فقه حنفی

در فقه عبادات حنفی این جمله در کیفیت زیارت رسول خدا ﷺ آمده است: «السلام علیک یا شفیع الأمة؛ السلام علیک یا سید المرسلین؛ السلام علیک یا خاتم النبیین و علی أهل بیتک الطیبین الطاهرین».^{۱۴}

در ادامه جلسه، اساتید ارجمند به پرسش های حضار پاسخ گفتند.

پی نوشت ها

۱. شوکانی، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۳۱ و ج ۸، ص ۶۶.
۲. همان.
۳. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹.
۴. ابن حبان، الثقات، ج ۸، ص ۴۵۶.
۵. ماوردی، الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۵۴۴.
۶. صاوی مالکی، حاشیه الصاوی علی شرح الصغیر، ج ۳، ص ۴۴۵.
۷. همان، ص ۴۴۶.
۸. علی بن نایف الشحود، الدفاع عن کتاب ریاض الصالحین، ج ۱، ص ۶۶.
۹. ابن تیمیه، الاختیارات الفقهیه، ج ۱، ص ۴۴۸.
۱۰. حنبلی، فقه العبادات، ج ۱، ص ۴۷۰.
۱۱. علاء الدین کاشانی، بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۲.
۱۲. کمال الدین محمد بن عبدالواحد، شرح فتح القدر، ج ۳، ص ۱۸۱.
۱۳. همان، ج ۳، ص ۱۸۰.
۱۴. فقه العبادات حنفی، ج ۱، ص ۲۰۷.